

روسیه در قزاقستان قمار می‌کند

نویسنده: دمیتری ترین

ترجمه: هیراد مخیری، دبیر گروه بررسی ملاحظات استراتژیک روسیه در خاورمیانه در مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

وقوع بحران اخیر قزاقستان، کرملین را بسیار غافلگیر نمود، بحرانی که به‌عنوان اعتراضی علیه افزایش شدید قیمت سوخت آغاز شد و در مدت یک هفته با سرعتی برق‌آسا در سراسر این کشور پهناور گسترش یافت و نهایتاً در پایتخت سابق، شهر آلماتی به خشونت گسترده کشیده شد. تنها چند روز قبل از سال نو، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در یک نشست غیررسمی در سن‌پترزبورگ میزبان رئیس‌جمهور کنونی قزاقستان، قاسم ژومارت توکایف و سلف و حامی بسیار بانفوذش، نورسلطان نظرбайف و چند تن از رهبران پس از فروپاشی شوروی بود. باید توجه داشته باشیم که هیچ‌یک از اتفاقاتی که در آن زمان در حال رخ دادن بود، قابل پیش‌بینی نبود.

به‌محض اینکه این دو رهبر به خانه برگشتند اعتراضات شروع شد. این اعتراضات که با حذف سقف قیمت سوخت وسایل نقلیه آغاز شده بود، منجر به تحریک احساسات عمومی مردم در راستای مسائل گذشته نظیر نابرابری اجتماعی، فقر و فساد حاکمیت گردید. در عرض سه روز، ساختمان‌های دولتی و خودروهای پلیس به آتش کشیده شد، بانک‌ها و فروشگاه‌ها غارت شدند و فرودگاه بین‌المللی آلماتی توسط معترضان اشغال شد. همان‌طور که پلیس تلاش می‌کرد تا کنترل آلماتی را دوباره به دست آورد، گزارش شد که ده‌ها معترض و ۱۸ مأمور امنیتی کشته شدند.

گسترش سریع اعتراضات در سراسر این کشور پهناور، از سویی ضعف واکنش اولیه مقامات را مشخص کرد و از سویی دیگر، ماهیت فزاینده این اعتراضات خشونت‌آمیز؛ تصور گسترش این سایه هرج‌ومرج در کشوری که متحد روسیه در سازمان پیمان امنیت جمعی (CSTO) و هم شریک آن در اتحادیه اقتصادی اوراسیا، باوجود طولانی‌ترین مرز زمینی مشترک محافظت نشده جهان (۷۵۰۰ کیلومتر) می‌باشد را افزایش داده است. باید توجه داشته باشیم که از جمعیت ۱۹ میلیونی قزاقستان، ۳/۵ میلیون نفر آن را روس تباران تشکیل می‌دهند.

لازم به ذکر است، در مسکو هرگز دغدغه‌ی خاطری در مورد رژیم حاکم بر قزاقستان وجود نداشت. در درجه اول، حتی برخی از ویژگی‌های حاکمیت قزاقستان نظیر اقتدارگرایی،

به‌عنوان ویژگی تثبیت‌کننده و همچنین مشکلات دیگری مانند فساد در این کشور نفت‌خیز، به‌عنوان مسئله‌ای اجتناب‌ناپذیر از جانب مسکو تعبیر می‌شد.

اما برخی از اقدامات این کشور آسیای مرکزی مانند پیگیری سیاست خارجی چند جانبه- با رویکرد توازن بخشی در مقابل روسیه و (چین، کشورهای غربی و ترکیه در حالی که اسما متحد روسیه بودند)- به‌عنوان اقدامی تحریک‌کننده علیه روسیه محسوب می‌شد.

در قزاقستان، روسیه همان مشکل مشابه در بلاروس را داشت: رژیم حاکم توانسته بود، ارتباطات سیاسی مسکو در این کشور را در انحصار خود درآورد. در مقابل نخبگان سیاسی نیز، هرکسی را که مشکوک به داشتن ارتباط خیلی نزدیک با روسیه بود، یا جایگزین و یا منزوی می‌نمود. علاوه بر این، روسیه در سیاست خود رسمی دارد که اغلب به‌منظور حفظ روابط پایدار با یک متحد مهم، شریک و همسایه، در مقابل ظهور ناسیونالیسم قومی قزاق و گزارش‌های تبعیض نژاد روسی در قزاقستان، چشمان خود را بسته نگاه می‌دارد.

در تفکر مسکو، توکایف به‌هیچ‌وجه مشتری سیاست‌های مسکو محسوب نمی‌شود، باین‌حال از نظر مسکو، سرنگون کردن او (و همچنین در نهایت نظربایف) به نیروهای افراطی ناسیونالیسم، که احتمالاً در برخی موارد توسط رادیکال‌های اسلام‌گرا حمایت می‌شدند، این اجازه را خواهد داد که به میدان بیایند. بنابراین با توجه به این مسئله، توکایف نیز باید نجات یابد، درست مانند رهبر دیرینه‌ی بلاروس، الکساندر لوکاشنکو، در تابستان ۲۰۲۰، زمانی که اعتراضات در بلاروس بالا گرفت.

باین‌حال، برعکس لوکاشنکو، توکایف فرمانروای مطلق نیست. او نه از قدرت و اختیارات کامل برخوردار است و نه نیروهای پلیس و نظامی او به‌اندازه همکاران بلاروسی خود انگیزه دارند تا به‌تنهایی با اعتراضات مقابله کنند. باوجود استعفای دولت و برکناری نظربایف به‌عنوان رئیس شورای امنیت کشور از سوی توکایف و باوجود اینکه در این زمان نشانه‌ای از کاهش ناآرامی‌ها مشاهده نمی‌شد، رئیس‌جمهور قزاقستان مجبور به درخواست مداخله خارجی شد. در ۵ ژانویه، او از سازمان پیمان امنیت جمعی (CSTO) به رهبری روسیه درخواست کمک کرد تا در مبارزه با آنچه که او به‌عنوان «تهدید تروریستی» از سوی گروه‌های آموزش‌دیده خارجی توصیف می‌کرد، کمک نمایند. نکته مهمی که در اینجا با آن روبرو هستیم این هست که: (CSTO) یک اتحاد دفاعی محسوب می‌شود که در چهارچوب وظایفش، ناآرامی‌های داخلی پوشش داده نمی‌شود.

روسیه به‌سرعت به درخواست کمک واکنش نشان داد و نیروهای حافظ صلح سازمان پیمان امنیت جمعی را سازماندهی کرد، و در ۶ ژانویه ۳۰۰۰ چترباز را به قزاقستان اعزام کرد. سایر اعضای سازمان پیمان امنیت جمعی-ارمنستان، بلاروس، قرقیزستان و

تاجیکستان- نیز گروه‌هایی بین ۷۰ تا ۵۰۰ نفره سربازان را اعزام کردند. این اولین مشارکت واقعی این بلوک از زمان تأسیس آن در سال ۱۹۹۹ می‌باشد. مسکو که نسبت به احساسات عمومی در قزاقستان حساس است از همان ابتدا مراقب بود مأموریت این نیروها را در جهت ایمن‌سازی تأسیسات استراتژیک و سایر دارایی‌های مهم محدود نماید و وظیفه رسیدگی به معترضان را به پلیس و ارتش قزاقستان واگذار کند.

باید توجه داشته باشیم، مداخله نظامی در قزاقستان یک اقدام مهم و پرمخاطره برای روسیه محسوب می‌شود. اگر مأموریت نیروهای روسیه گسترش یابد، این امر منجر به نارضایتی گسترده مردم قزاق از روسیه و یا حتی منجر به خصومت و مقاومت آشکار آنها خواهد شد. همچنین این مسائل به نوبه خود در روسیه نیز بازتاب خواهد داشت، تا جایی که نظرسنجی‌های اولیه نشان می‌دهند، دو برابر همان مردمی که مخالف اعزام سربازان به قزاقستان بودند، به همان اندازه مخالف اقدامات مداخله‌جویانه روسیه در این کشور هستند.

از سوی دیگر اگر روسیه - نه فقط در کلام، بلکه در عمل- در حمایت از رژیم حاکم بر قزاقستان موفق شود و آن را بیشتر طرفدار روسیه نماید، آنگاه قزاقستان همانند بلاروس، می‌تواند برای روسیه متحد و شریک قابل‌اعتمادتری باشد و نهایتاً سیاست چندجانبه خارجی نورسلطان، همان‌طور که اخیراً در مینسک و ایروان اتفاق افتاد، ساده‌تر می‌شود. با این تفاسیر در این شرایط به نظر می‌رسد، احتمالات به نفع سناریوی دوم است که تصمیم کرم‌لین برای ادامه مداخله را توجیه می‌نماید.

جهت ارجاع علمی: دمیتری ترنین، «روسیه در قزاقستان قمار می‌کند»، مترجم: هیراد مخیری، تاریخ انتشار در سایت مرکز: ۱۴۰۰/۱۱/۱

Source: Dmitri, Trenin. (2022), "Russia Takes a Gamble in Kazakhstan", Available at: <https://carnegiemoscow.org/commentary/86141>, (Accessed On: 2022/01/20), (Published On: 2022/01/06)